



برای سینما «رادیوسیتی» که ساختمانش به فروش رفت

### «رادیو»یی که دهه‌هاست صدایش در «شهر» شنیده نمی‌شود

جواد مجابی در جایی گفته است که «با افتتاح سینماهای مثل رادیوسیتی که شاهد ساختنش بودم، بتدریج فیلم‌های جدی، مثل «گسوف» آنتونیونی را دیدیم یا «هشت ونیم» و «شب» را و پرویز دلوایی در لایه‌لای متنی بلند اشاره کرده که «فیلم چهار سوار سرنوشت اثر وینسنت مینه‌لی [که از ۲۵ مرداد ۱۳۴۱ به نمایش درآمد] را در سینما رادیوسیتی دیدیم؛ فیلمی که تأثیری غیرقابل تصور بر من گذاشت.» و البته محمدعلی نجفی هم نوشته‌اش است که «من دانشجوی معماری بودم که در رادیوسیتی «خشت و آینه» ابراهیم گلستان [که از ۲۹ دی ۱۳۴۴ به مدت سه هفته به نمایش گذاشته شد] و «شب» آنتونیونی را دیدم. سینما رادیوسیتی سال‌های طولانی است که تعطیل شده‌است. احتمالاً الآن اغلب راهگذرانی که از کنار رادیوسیتی سابق عبور می‌کنند نمی‌دانند که اینجا روزگاری سینمای مهمی قرار داشته‌است؛ سینمایی که نیم‌قرن پیش فیلم‌های متفاوت و پیشرو اکران می‌کرد و این فیلم‌ها بر ذهن و جان جوان‌های شیفته و علاقه‌مند تأثیرات بنیادین می‌گذاشت.» و البته، اینها، تنهایی جزئی از انبوه خاطرات رادیوسیتی است.

اما این سینمایک یاز در سال ۱۳۵۲ هدف بمب مجاهدین خلق قرار گرفت اما دست آخر در آبان ۱۳۵۷ در آتش سوخت و سینمای ۱۲۳۰ مترمربعی عزیزالله محشمی دولت مستعجل شد. سینمایی که در سال ۱۳۵۵، ۷۵۵هزار تماشاگر به خود دید و فیلم‌هایش ۳۵میلیون و ۵۲۰هزار ریال فروخت.

حالا در این هیاهوی جشنواره فیلم فجر و درست در روزهایی که یک نمایش با همین نام در عمارت رویه‌رو تهران در حال برگزاری است، خبر آمده‌است که سینما را بنیاد شهید وامور ایثارگران فروخته‌است به یک مالک شخصی، که البته طبق قرارداد، حق ندارد آن را تخریب کند. حالا باید دید این بل سینماهای تهران چه می‌شود. آنقدر می‌ماند تا می‌پوسد و می‌ریزد یا سرنوشتی دیگر در انتظارش است.

دو طبقه بود و کف سالن انتظار، پوشیده از مرمر بود. در آن ستون‌های بزرگ مرمرآجین تعبیه شده بود. صندلی‌های مبل‌مانندش از مخمل قرمز بود. عرض پرده نمایش فیلم چهارونیم متر بود. ورودی‌اش هم که دیگر برای خودش دلبری‌ها می‌کرد. چراغ‌های نئون قرمزرنگی روی نمای بیرونی ساختمان سینما نصب شده بودند که جلوه‌ای مدرن به سینما می‌دادند. ضلع غربی سینما و در ورودی از کف سالن تا سقف شیشه‌ای بودند و از بیرون، سینما پیدا بودند.

این‌ها همه هنر حیدرقلی خان غیایی شاملو بود و دو سال برای این سینما وقت صرف کرد. «رادیوسیتی»، ۲۷ شهریور ۱۳۳۷ افتتاح شد، با «گوهرفروشان مهتاب» اثرروزه باردیم. فیلمی با بازی بریزیت باردو و سال ۱۹۵۸ و یک دوبله تمام‌عیار. فیلم بیست‌وشش شب روی پرده ماند و بعد، از ۲۲ مهر همان سال، نوبت به «سلطان و من»، اثر والتر برکین محصول ۱۹۵۶ رسید. آنجا جایی برای سینما‌روهای حرفه‌ای شده بود و حالا که سال‌ها گذشته‌است احتمالاً آنها مهم‌ترین و تازه‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما را در این سینما دیده‌اند.

قطعه اول آزادراه تهران شمال دیروز با دستور رئیس جمهوری افتتاح شد تا اولین سفرها از این مسیر آغاز شود. البته به‌صورت آزمایشی. از دیروز صبح عکس‌ها و فیلم‌هایی از صف خودروها در انتهای بزرگراه همت غرب و ورودی قطعه یک آزادراه شمال منتشر می‌شد که منتظر بودند آزاد راه افتتاح شود. درباره این مساله و با انتشار این عکس‌ها و فیلم‌ها کاربران زیادی به شوخی و جدی نوشتند. خبرنگار ایلنا در توییتش نوشت که تعدادی از رانندگان این خودروها درباره دلیل حضورشان گفتند می‌خواهیم اولین نقری باشیم که از این آزادراه عبور می‌کنیم.

البته به مساله عوارض این آزادراه هم پرداخته می‌شد چون اعلام شد عوارض آزادراه حدود ۵۰ هزار تومان است که به‌نظر بسیاری از کاربران رقم بالایی است: «شاید الان به‌عنوان کسانی که قرار نیست از آزادراه شمال با عوارض ۵۰هزار تومنی استفاده کنیم زیاد بهش اهمیت ندیم

ولی تجربه میگه این هزینه‌های اضافی که به این شکل از مردم گرفته میشه برای مسئولان شیرینه و باید منتظر باشیم چندوقت دیگه برای عبور از بزرگراه‌های داخل شهر هم پول پرداخت کنیم»، «این عزیزانی که توی صف پارکشایی آزادراه تهران شمال وایسادن میدونن فقط تا شهرستانک میتون برن؟ چه خبرتونه چه خبرتونوونه؟!»، «کاش آزادراه شمال به‌طور کامل باز بشه ما بتونیم دوباره از جاده چالوس لذت ببریم»، «عوارض عبور از قطعه یک آزادراه تهران شمال نشون داد که ما مردم عادی نباید خوشحال باشیم! این‌رو برای پولدارها ساختند که با پورشه هاشون راحت برن و بیان. ما الان تو جاده‌های قدیمی پارکمونونیم و ترافیک درست می‌کنیم.»، «وام برای پرداخت عوارضی آزادراه تهران شمال نمیدن؟»، «راه دسترسی و تخریب جنگل‌های شمال کوتاه شد!»، «این آزادراه تهران شمال به درش درست شده که عوارض شده حدود ۵۰ تومن، تو رو خدا کاملش نکنید، این آزادراه کامل بشه عوارضش به قیمتی میشه که وقتی بریم شمال باید به شیش ماهی اونجا بمونیم کار کنیم تا به پولی پس‌انداز کنیم بتونیم باز عوارضی بدیم برگردیم خونه

#### شاهین فرمت: به آینده موسیقی ایران بیندیشیم

موسیقی پیوستگی عمیق احساسی با زندگی هر فرد دارد و آن را نیروی می‌بخشد. سرزمین پهناور ایران از موسیقی‌های مختلف تشکیل شده‌است. موسیقی نواحی، نمایشگر احساسات عمیق مردم این سرزمین است و از طرف دیگر موسیقی ردیف دستگاهی یا موسیقی شهری با نظم مشخص آن، نشان‌دهنده گسترش ملودی‌های دل‌انگیز و احساسات پاک ایرانیان است. با ایجاد مراکز آکادمیک موسیقی، شناخت آهنگسازان بزرگ نیز فراهم شده‌است و در نتیجه قدرت خلافت و درک جوانان ایران را بالا برده‌است.



امسال در بخش نگاه نو که مخصوص کارگردان‌های فیلم اولی است به نمایش درآمد و این مساله زمان برگزاری جشنواره حاشیه‌های زیادی هم به‌وجود آورد. امینی کارگردان فیلم در یادداشتی این اتفاق را زارییده و نتیجه توافق تهیه‌کننده فیلم با مدیران جشنواره می‌داند و می‌گوید چنین تصمیمی بدون آگاهی من گرفته شد و وقتی پیگیر شدم هم کسی به تلفن‌های من پاسخ نداد.

امسال برای من سال تلخی بود. اولین اتفاق این بود که فیلم من به بخش نگاه نو رفت و این اولین بلا باعث شد هم‌های غلبه من صورت بگیرد و دوستان رسانه‌ای کم تجربه که بیشتر به‌دنبال حاشیه‌سازی بودند سعی کردند که فیلم‌ما ساز را مقصر این اتفاق معرفی کنند و فکر می‌کردند من با آگاهی از این مساله که «کشتارگاه» چهارمین فیلم بلند من است، به انتخاب خودم وارد بخش نگاه نو شده‌ام؛ در صورتی که اصلاً چنین چیزی صحت ندارد. مساله اینجاست که بسیاری دوستان به‌جای آنکه خواهان



خـب سلامتی جشنواره فیلم فجر هم تمام شد.

– بله خداروشکر.

– یه سوال. فکر می‌کنی در انتها چه چیزی بیشتر از هر کدوم

از بخش‌های جشنواره تو ذهن شرکت‌کننده‌ها باقی می‌مونه؟  
+ با اختلاف، جلسات پرسش و پاسخ!

– واقعا؟

– بله. قطعاً.

– یعنی با وجود این همه فیلم و حاشیه سه هفته به نمایش گذاشته شد] و «شب» آنتونیونی که تعطیل شده‌است. احتمالاً الآن اغلب راهگذرانی که از کنار رادیوسیتی سابق عبور می‌کنند نمی‌دانند که اینجا روزگاری سینمای مهمی قرار داشته‌است؛ سینمایی که نیم‌قرن پیش فیلم‌های متفاوت و پیشرو اکران می‌کرد و این فیلم‌ها بر ذهن و جان جوان‌های شیفته و علاقه‌مند تأثیرات بنیادین می‌گذاشت.» و البته، اینها، تنهایی جزئی از انبوه خاطرات رادیوسیتی است.

اما این سینمایک یاز در سال ۱۳۵۲ هدف بمب مجاهدین خلق قرار گرفت اما دست آخر در آبان ۱۳۵۷ در آتش سوخت و سینمای ۱۲۳۰ مترمربعی عزیزالله محشمی دولت مستعجل شد. سینمایی که در سال ۱۳۵۵، ۷۵۵هزار تماشاگر به خود دید و فیلم‌هایش ۳۵میلیون و ۵۲۰هزار ریال فروخت.

حالا در این هیاهوی جشنواره فیلم فجر و درست در روزهایی که یک نمایش با همین نام در عمارت رویه‌رو تهران در حال برگزاری است، خبر آمده‌است که سینما را بنیاد شهید وامور ایثارگران فروخته‌است به یک مالک شخصی، که البته طبق قرارداد، حق ندارد آن را تخریب کند. حالا باید دید این بل سینماهای تهران چه می‌شود. آنقدر می‌ماند تا می‌پوسد و می‌ریزد یا سرنوشتی دیگر در انتظارش است.

– مگه منتقد فیلم، مطبوعاتی نیست؟

– مطبوعاتی به معنی خبرنگاری، نه.

منتقد در هیچ جشنواره‌ای در دنیا توی کنفرانس مطبوعاتی نمیدان تا فیلمی رو که حداکثر ۵ دقیقه پیش دیده نقد کنه.

– منتقد پس چکار می‌کنه؟

+ منتقد در طول اکران و نمایش فیلم،

چندبار دیگه در فضایی آروم‌تر و بدون پینداوری یا شلوغی یا جوزدگی جشنواره فیلم رو می‌بینه و بعد با کلمات درباره اون فیلم می‌نویسه. مکتوب و مستقل و بدون حواشی نمایش جشنواره‌ای.

– دیگه چی؟

+ دیگه اینکه بقیه جلسه هم به هرحال از آفت‌های همیشگی در جامعه‌ما خلاصی نداره.

– چه آفت هایی؟

+ نداشتن تخصص. گرایش‌های صفر و صدی، عوام‌گرایی، جوزدگی، تسویه حساب‌های سیاسی یا جناحی، تلاش برای دیده شدن، تلاقی کردن، صحنایی و طبلکار بودن، بیسودی و خیلی چیزای دیگه...

– ببین، خیلی از کسانی که در جلسات به‌عنوان خبرنگار شرکت می‌کنن، اولین رسم خبرنگاری که نداشتن قضاوته رو رعایت نمی‌کنن. اونا متوجه نیستن که خبرنگارن، نه تحلیلگر یا کتشگر سیاسی/ اجتماعی. به‌جای پرسیدن و منتظر جواب بودن، خودشن جواب میدن و منتظر سؤال یا حداکثر توضیحات فیلمساز می‌مونن و در نهایت همونو هم قبول نمی‌کنن.

– دیگه چی؟

+ دیگه اینکه بیشتر سؤال‌ها یا به معنی اینه که دارم می‌جت رو می‌گیرم یا حالت رو. بعضی اوقات هم به معنی اینه که من از توی فیلمساز بیشتر می‌دونم. یا اینکه تو باید اونجوری که من می‌گم و می‌خوام فیلم بسازی.

– چرا؟

+ واقعاً. یکی به فیلمساز اعتراض می‌کنه که چرا به یه زبون دیگه غیر از فارسی فیلم ساخته، یکی اعتراض می‌کنه که چرا قهرمان فیلم این کار رو کرد و اون کارو نکرد، یکی

رویدادها و جشنواره‌های موسیقی از جمله جشنواره موسیقی فجر فرصتی است تا شناختی از وضعیت موسیقی و ظرفیت‌های هنرمندان و جوانان و اجرای آثارشان فراهم شود و گونه‌های مختلف موسیقی متناسب با سلیاق متنوع کنار هم ارائه شود. سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر و حضور گروه‌هایی در انواع موسیقی بیانگر بالندگی و پویایی موسیقی است که در متن جامعه امروز ما جریان دارد و ضرورت دارد با شناخت نیازها و توانمندی‌های آن به آینده موسیقی ایران بیندیشیم.

پیام دبیر جشنواره موسیقی خطاب به هنرمندان

چرا «کشتارگاه» چهارمین فیلم بلند فیلمساز به بخش نگاه نورفت

## توافق جشنواره و تهیه‌کننده؛ بی‌اطلاعی کارگردان



سینما نگه دارد اما از این مساله که او را دست‌خالی از سالن سینما بیرون نفرستد و آینه‌ای باشد از آنچه تجربه و زندگی می‌کند، غافل نیست. ما امیدی به حمایت‌های آنجنانی نداریم و فقط امیدمان به مردم است و تجربه من از اکران در جشنواره این بود که واقعاً کمتر کسی موقع اکران کشتارگاه از سالن خارج می‌شد و این مساله امیدوارم می‌کرد که مردم نظر موافقتی به این فیلم دارند و امید دارم که در اکران هم اتفاقات خوبی برای «کشتارگاه» بیفتد.

با فیلم‌هایی که با بودجه‌های کلان این طرفی و این طرفی ساخته می‌شود امکان رقابت دارد. در واقع این شکل‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی هستند که نتیجه را رقم می‌زنند و طبیعی است که در چنین اتفاقی به این نتیجه خواهیم رسید که نتایج به چه شکل خواهد بود و داورِها چگونه. تمام تلاش ما برای اکران این است که بهترین اکران را داشته باشیم چون فیلم‌هایی مثل کشتارگاه در کنار آنکه سعی می‌کند سرگرم‌کننده باشد و مخاطب را در سالن

### فرهادهای دوباره در ایران فیلم می‌سازد

خبرساخت فیلم تازه اصغر فرهادی در ایران را نشریه سینمایی دلایل منتشر کرد و طبق خبر این نشریه ما می‌دانیم که پروژه جدید فرهادی فارسی زبان خواهد بود، در شهر شیراز جلوی دوربین می‌رود و فیلمبرداری آن از تابستان سال آینده آغاز می‌شود. براساس اعلام دلایل این فیلم باز هم در فضای تعلیقی آثار فرهادی ساخته می‌شود و بازیگران سرشناس ایرانی که پیش از این با فرهادی همکاری نداشته‌اند در این فیلم نقش آفرینی خواهند کرد.

این فیلم جدید با عنوان «قهرمان» طی دو ماه آینده وارد مرحله پیش تولید می‌شود و کمپانی فرانسوی منتون پخش بین‌المللی ساخته جدید فرهادی را نیز برعهده خواهد داشت. الکساندر مالگو، که با کمپانی منتون تهیه‌کننده سه فیلم اخیر فرهادی را برعهده داشته دراین فیلم جدید نیز به همراه فرهادی تهیه‌کننده خواهد بود.

رومنای ازاین پروژه سینمایی جدید، هفته آینده در جشنواره برلین برگزار می‌شود و قرار است نسخه انگلیسی فیلمنامه آن در جشنواره برلین در اختیار خریداران بین‌المللی قرار بگیرد. البته که همچنان جزئیات فیلمنامه آن به بیرون درز پیدا نکرده‌است اما آنگونه که الکساندر موور، نایب رئیس فروش و بازاریابی کمپانی منتنو، درباره این پروژه گفته است: «مفخریم که یک پروژه جدید سینمایی از سینماگر مؤلف بزرگ اصغر فرهادی را ازاین پروژه سینمایی ثابت قدم و با ایلین سؤال مخالف مث اسفند رو آنتی است، از جا می‌پرن و شروع می‌کنن کل خبرنگارا رو مزدور و دشمن و تالایق خوندن. – ای بابا...

+ یا به جای جواب مستدل دادن، بتا رو می‌ذارن با خبرنگار کل کل کردن. یا سن و سالشو مستخره می‌کنن، یا سوادشو زیر سؤال می‌برن یا جواب چکشی میدن از جنس اینکه «به تو چه؟» و «دلَم می‌خوادم» و «به تو مربوط نیست» و ...

– عجب حکایتیه‌ها.

+ بله سایه جان. برای همینه که می‌گم این بخش از جشنواره بیشتر از کل

اون در یادها می‌مونه...

– راست می‌گی والله...



هر هفته هزاران بهودی اهل مجارستان به آشوپیتس و بیرکانو آورده می‌شوند و مدام آشوب و غائله برپاست. لالی متوجه علت این ناآرامی‌ها شده‌است. هر چه شماره روی ساعد افراد بالاتر باشد، احترام دیگران به آنها کمتر می‌شود.

جشنواره فجر»، «حواسمون باشه به جهانی که پیش روی شما و روح‌الله‌های خورشید باز کردیم، ره‌اشون نکنیم، فراموش شدنشون بعد از این دست و هوراها، پشت‌ها و استوری‌ها خطرناک‌تر از زندگی تلخیه که تا امروز داشتن!»، «هر کی تونست حرف‌های شما شیملا شیرزاد و روح‌الله زمانی از بازیگران فیلم خورشید مجید مجیدی رو در اختتامیه جشنواره فیلم فجر ببینه و تونست اشک نریزه خوش به حالش. من در برابر نگه‌داشتن اشک‌هام در چنین شرایطی خیلی ناتوانم! خوبه یا بد نمیدونم.»، «شیملا شیرزاد بازیگر فیلم خورشید توی اختتامیه جشنواره فیلم فجر: «من یک دختر افغانی‌ام و...» حالا اگه یک ایرانی گفته بود ریخته بودند سرش و پدرش رو درآورده بودن که افغانی نه افغانستانی و انگ بی‌سوادی هم بهش می‌یستند»، «شیملا شیرزاد گرچه یک کودک است اما غم‌های زندگی عملاً او را بزرگ کرده. حرف‌هایش محکم و بلندند. کار، رنج آوارگی و سختی کشیدن در کشوری دیگر چون در کشور خودش آرامش نیست و جایی ندارد، سبب شده که امیدوار باشد: «هیچ کودک کاری در جهان نباشد.» براستی که زندگی سخت زنان را می‌سازد.»

### آرزوی دختر افغان در اختتامیه جشنواره فجر

مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر همچنان مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی است و یکی از مسائلی که درباره‌اش صحبت می‌کنند حرف‌های شیملا شیرزاد دختر نوجوان بازیگر فیلم «خورشید» مجید مجیدی است. او پس از اینکه همراه ابوالفضل شیرزاد، روح‌الله زمانی و سید مهدی موسوی بازیگران نوجوان فیلم «خورشید» از سوی هیأت داوران لوح تقدیر گرفت گفت: «من در مترو برای گذران زندگی کار می‌کنم. امیدوارم روزی برسد که در جهان هیچ کودک کاری وجود نداشته باشد.» حرف‌های او تماشاگران مراسم اختتامیه را تحت تأثیر قرار داد و دیروز هم درباره‌اش در شبکه‌های اجتماعی حرف می‌زدند و می‌نوشتند و البته فیلم صحبت‌های او را بازنشر می‌کردند: «آخ چقدر این بچه‌هایی که مجیدی انتخابشون کرده خوبن. اصلاً کلاً فجر به طرف روح‌الله و شیملا هم به طرف»، «گرتا تونبرگ کیه ما خودمون شیملا داریم که مانیفست می‌خونه تو



۴۸ هزار تومنه، جاده ابریشمه مگه!»، «به عده ساعت‌ها توی ترافیک همت غرب ایستادن تا اولین ماشینی باشن که می‌ایزازه تو آزادراه تهران شمال. تازه دارم میفهمم سطح زندگی مون نتیجه ش. کیفیت رفتار خودمون هست»، «عوارض قطعه اول آزادراه تهران شمال زیر ۵۰ هزار تومنه. بخوای به سفر از تهران بری شمال از این آزاد راه هزینه به بلیت هواپما روات میگیری»، «ملتی هستیم که برای آزادراه صف می‌کشیم.»